

## The Impact of “European Neighborhood Policy” on EU-Republic of Moldova Integration

**Roxana Niknami\***

Assistant Professor of Regional Studies, University of Tehran

(Date received: 12 Aug. 2020 - Date approved: 9 Nov. 2020)

### **Abstract**

With the end of the Cold War, Europe has faced new geopolitical challenges and these challenges have increased the impact of the surrounding environment on European security. The independent Moldovan government was born in 1991 on a world political map. In 2004, Moldova entered the ENP and then the EaP. This policy is the most important tool of the EU to promote convergence in the Eastern Neighborhood and Moldova has made the best use of its facilities. The integration process led to DCFTA and a visa liberalization system was established for Moldova.

**Research question and hypothesis:** having said that, it begs the question of what impact has the implementation of the ENP and the EaP on the EU-Moldova integration process and to what extent has the EU been successful in implementing it? The article hypothesis is that improving relations in the framework of the EU-Moldova Free Trade and Cooperation Agreement has led to the expansion of integration from the economic to the political and cultivated spheres and deepening of bilateral relations; but in terms of depth, its impact is limited by several of internal and external factors on both sides.

**Methodology:** the data collection method in this study is qualitative and is based on the documentary method. This research is in line with the theoretical modeling method. In this regard, the theory of neo-functionalism has been applied. The emphasis of this paper is on the logic of spillover, which is emphasized in the theory of neo-functionalism. In terms of the level of analysis, this research is three-level and examines the issue in functional, political, and cultivated spillover.

**Result and Discussion:** all things considered, in the field of functional spillover, the interactions made in the framework of the Partnership and Cooperation Agreement to improve the standards of good governance were

---

\* E-mail: [niknami.roxana@ut.ac.ir](mailto:niknami.roxana@ut.ac.ir) (Corresponding Author)

examined. In this regard, cooperation on the issue of Transnistria has been carried out in the form of 5+2 negotiations. The EUBAM was developed in the same direction. Economically, relations were driven by a system of preferences. In the political spillover, the Cooperation Agreement was reviewed; which was best crystallized in the form of a DCFTA. This agreement had many achievements in the field of integration and led to visa liberalization for Moldova. Package 8 was also implemented in the Transnistrian conflict. In the field of functional extension, EU institutions such as the Parliament, the Commission, and the Council of Europe acted as political entrepreneurs and took great strides in various aspects of strategic coalition building, bargaining influence and community framing. In Moldova, the institutions in charge of these three indicators are CEFTA, National Action Plan for Implementation of the Association Agreement and the Moldovan National Platform of the Eastern Partnership Civil Society Forum. Studies have shown that in terms of level and scope, relations between the parties have had a favorable growth and convergence has occurred well at all three levels. But in terms of depth, some internal constraints at the interior level of Europe and Moldova on the one hand and the regional level on the other, have prevented full deepening of integration.

**Keywords:** EaP, ENP, EU, Moldova, Neo-functionalism, Spillover.

## سیاست همسایگی اروپا و تأثیر آن بر همگرایی

### اتحادیه اروپا و جمهوری مولداوی

رکسانا نیکنامی\*

استادیار مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹)

#### چکیده

با پایان جنگ سرد، اروپا با چالش‌های ژئوپلیتیک جدیدی روبه‌رو شد که تأثیر محیط پیرامونی را بر امنیت این قاره افزایش داد. یکی از این چالش‌ها، استقلال اقمار شوروی در اروپای شرقی بود. دولت مستقل مولداوی در سال ۱۹۹۱ در نقشه سیاسی جهان متولد شد. پس از عضویت رومانی در اتحادیه اروپا، این کشور همسایه اتحادیه اروپا شد و در سال ۲۰۰۴ در کنار پنج کشور دیگر، سیاست همسایگی اروپا و بعد سیاست مشارکت شرقی را پذیرفت. این سیاست مهم‌ترین ابزار اتحادیه اروپا برای پیشبرد همگرایی در محیط همسایگی شرقی محسوب می‌شود و مولداوی به بهترین شکل از امکانات آن استفاده کرده است. به طوری که فرایند همگرایی به سوی بستن موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه کشیده شد و نظام آزادسازی ویزا نیز برای مولداوی برقرار شد. با توجه به آنچه گفتیم این پرسش مطرح است که اجرای سیاست همسایگی اروپا و به طور مشخص سیاست مشارکت شرقی چه تأثیری بر همگرایی اتحادیه اروپا و مولداوی داشته است و تا چه حد اتحادیه اروپا توانسته است آن را به صورت موفقیت‌آمیزی به پیش ببرد؟ در پاسخ این فرضیه را مطرح می‌کنیم که بهبود روابط در قالب موافقت‌نامه همکاری و تجارت آزاد میان اتحادیه اروپا و مولداوی سبب تسری همگرایی از حوزه اقتصادی به حوزه سیاسی و نهادی و گسترش روابط دو طرف شده است؛ اما از نظر عمق تأثیر آن با عامل‌های متعدد داخلی و خارجی از سوی هر دو طرف محدود شده است. بر همین مبنا در این نوشتار با استفاده از روش تحلیل ژرف‌نگرانه موضوع را تبیین و برای آزمون فرضیه نیز از منطق تسری در نظریه نوکارکردگرایی استفاده می‌کنیم.

#### واژگان اصلی

اتحادیه اروپا، تسری، سیاست مشارکت شرقی، سیاست همسایگی اروپا، مولداوی، نوکارکردگرایی.

### طرح مسئله

مولداوی کشوری کوچک، میان اوکراین و رومانی است. این کشور در قرارداد ریبین-تروپ-مولوتف در سال ۱۹۳۹ به عنوان قسمتی از خاک اتحاد شوروی شناسایی و در سال ۱۹۹۱ مستقل شد (Koolae, 2013: 321). پیشینه روابط اتحادیه اروپا و مولداوی به سال ۱۹۹۴ بازمی‌گردد که اولین موافقت‌نامه همکاری<sup>۱</sup> میان دوطرف امضا شد. زمانی که مفهوم «اروپای وسیع‌تر»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۲ مطرح شد، شالوده ایجاد سیاست همسایگی اروپا<sup>۳</sup> نیز شکل گرفت. در این سیاست کشورهای همسایه اروپا از همه امتیازهای کشورهای عضو به جز امتیاز مشارکت در تصمیم‌گیری بهره‌مند شدند. یک سال بعد حکومت مولداوی اعلام کرد که در پی همگرایی با اروپا است و اصلاحات گسترده داخلی را آغاز کرد و با همین سیاست وارد فضای اقتصادی اروپا شد. در همین حال دمکراتیک‌تر نیز شد و فضا برای نفوذ اقتصادی و سیاسی اروپا در این کشور بیش از پیش فراهم شد.

سیاست همسایگی اروپا در سال ۲۰۰۴ شکل گرفت که هدف اصلی آن ایجاد کشورهای مرفه و امن در محیط پیرامونی بود. پس از سال ۲۰۰۵ روند نزدیکی به اروپا سرعت یافت. نتایج انتخابات پارلمانی در این کشور هم بر آن تأثیر گذاشت (Koolae, 2016: 331). در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ که امواج همگرایی اروپا رخ داد؛ سیاست همسایگی اروپا به دلیل نداشتن دورنمای عضویت در اتحادیه، جذابیت خود را از دست داد. در سال ۲۰۰۹، اروپا در پی گسترش نفوذ خود در اروپای شرقی در قالب سیاست مشارکت شرقی<sup>۴</sup> برآمد که سبب دمیدن روح تازه‌ای به کالبد سیاست همسایگی اروپا شد. در همین سال ائتلاف لیبرال با نام «ائتلاف همگرایی اروپایی»<sup>۵</sup> توانست در مولداوی به قدرت برسد. در نتیجه خیز بزرگ مولداوی برای همگرایی با اروپا به‌طور رسمی برداشته شد. در آوریل ۲۰۱۴ مولداوی موافقت‌نامه آزدسازی ویزا و دو سال بعد موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه<sup>۶</sup> را با اتحادیه اروپا اجرایی کرد.

با توجه به منتفی بودن امکان عضویت مولداوی و دیگر کشورهای حاضر در طرح مشارکت شرقی در اتحادیه، این مجموعه به دنبال راهی برای تحریک انگیزه آن‌ها و جلب همگرایی

- 
1. AA: Association Agreement
  2. The Wider European Concept
  3. ENP: European Neighborhood Policy
  4. Eastern Partnership
  5. Alliance for European Integration
  6. DCFTA: Deep and Comprehensive Free Trade Agreement

بیشتر است. روسیه با استفاده از این شرایط به این کشورها القای می‌کند که اروپا آن‌ها را نمی‌خواهد و بهتر است به عضویت اتحادیه اوراسیایی درآیند. حتی در منازعه و رانیستریا، روسیه و اروپا غیرمستقیم رودرروی هم قرار گرفته‌اند. بدیهی است با توجه به متغیر روسیه، پیشبرد این سیاست با موانع جدی همراه است. البته در نوشتار حاضر روسیه به‌عنوان متغیر صفر در نظر گرفته شده است.

با توجه به آنچه گفتیم این پرسش مطرح است که اجرای سیاست همسایگی اروپا و به‌طور مشخص سیاست مشارکت شرقی چه تأثیری بر همگرایی اتحادیه اروپا و مولداوی داشته است؟ در پاسخ این فرضیه را مطرح می‌کنیم که امضای موافقت‌نامه همکاری در فضای سیاست مشارکت شرقی میان اتحادیه اروپا و مولداوی سبب تسری همگرایی از حوزه اقتصادی به حوزه نهادی و سیاسی و تعمیق روابط دو طرف از نظر گستره شده است، اما از نظر عمق تأثیر آن با عامل‌های متعدد داخلی و خارجی از سوی هر دو طرف محدود شده است. علت انتخاب سیاست مشارکت شرقی به‌عنوان شاخص اصلی متغیر مستقل، ترجیحی بودن آن و امکانات بیشتر آن برای آزمون منطق تسری و علت انتخاب مولداوی به‌عنوان سوژه مطالعاتی، ناشناخته‌بودن آن در فضای آکادمیک و اجرایی ایران، تاریخ و ویژگی‌های فرهنگی درخور توجه آن و موفقیت بیشتر در استفاده از سازوکارهای این سیاست و همگرایی با اتحادیه اروپا است. برای آزمون این فرضیه از نظریه نوکارکردگرایی و به‌ویژه منطق تسری حاکم بر آن، استفاده می‌کنیم. روش پژوهش در این نوشتار کیفی و بر مبنای تحلیل ژرف‌نگرانه<sup>۱</sup> است.

### پیشینه پژوهش

آثار منتشرشده در حوزه روابط میان مولداوی و اتحادیه اروپا را می‌توانیم به چند گروه تقسیم کنیم: دسته اول آثاری هستند که در سایه نظریه‌های حکمرانی این پدیده را بررسی می‌کنند. برای نمونه مونتسانو، تات و تسویرث (۲۰۱۶)<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان «اروپایی شدن مولداوی: آیا مسیر اتحادیه اروپا صحیح است؟» بر توانمندی ابزارهای اروپایی برای پیگیری سیاست‌ها تأکید می‌کنند. مهم‌ترین شاخص‌های این پژوهش مسئله حکمرانی خوب و ثبات‌سازی در مولداوی است. گیزل بوسه<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) نیز در مقاله «روابط اتحادیه اروپا با مولداوی: حکمرانی، مشارکت یا طرد؟» با تمرکز بر بعد سیاسی، روابط اتحادیه اروپا و مولداوی را در سایه اجرای سیاست

1 In-depth Analysis

2. Montesano, Togh and Zweers

3. Giselle Bosse

همسایگی اروپا بررسی می‌کند. رویکرد اصلی این مقاله براساس حکمرانی خارجی است. نویسنده برای آزمون این نظریه به نقش قوانین اتحادیه اروپا برای پیشبرد روابط توجه کرده است. امرسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، کرومبوآ<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)، لپرت<sup>۳</sup> (۲۰۱۹)، کریستو<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) و بالتاگ و بوسه<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) از دیگر نویسندگانی هستند که از این زاویه به مسئله پرداخته‌اند.

دسته دوم آثاری هستند که مجموعه کشورهای سیاست همسایگی اروپا را باهم بررسی می‌کنند یا در بهترین حالت بر سه کشور موفق حاضر در آن یعنی گرجستان، مولداوی و اوکراین تأکید می‌کنند. برای نمونه مؤسسه فردریش ابرت اشتیفتونگ<sup>۶</sup> در گزارشی با عنوان «بازبینی در مشارکت شرقی»، جایگاه گرجستان، مولداوی و اوکراین پس از بحران اوکراین در سیاست همسایگی اروپا را بررسی می‌کند. در فصل دوم، این گزارش به مسئله مولداوی پرداخته شده است. پرسش اصلی این نوشتار این است که آیا در سال‌های آینده در قالب سیاست مشارکت شرقی روابط اتحادیه اروپا با این کشورها تعمیق خواهد شد؟ لاورلاشویلی<sup>۷</sup> (۲۰۱۸) نیز در مقاله «اعتمادسازی در گرجستان، مولداوی و اوکراین: به‌سوی رویکردی مناسب منطقه‌ای از سوی اتحادیه اروپا»، ابعاد موضوع اعتمادسازی را در این سه کشور بررسی کرده است. او استدلال می‌کند که سیاست‌گذاری اتحادیه اروپا با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در همه این کشورها مشترک است. از نظر نویسنده تقویت همگرایی اتحادیه اروپا و این کشورها می‌تواند منجر به تقویت احزاب مدافع اروپا و کاهش قدرت احزاب کمونیستی روس‌محور شود. پژوهشگران دیگری چون سنوسا<sup>۸</sup> (۲۰۱۹)، پاپسکو<sup>۹</sup> (۲۰۰۵) و ولفشنگر<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۹) نیز با این رویکرد موضوع را بررسی کرده‌اند.

دسته سوم بر نقش منازعه و رانیستریا در روابط دوطرف تأکید دارند. لورا دلکور<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «مولداوی و سیاست همسایگی اروپا؛ چه نوع مشارکتی؟» بر مأموریت همکاری مرزی اتحادیه اروپا در مولداوی و اوکراین<sup>۱۲</sup>، برقراری نظام رفت‌وآمد آزاد،

1. Emerson
2. Crombois
3. Lippert
4. Christou
5. Baltag and Bosse
6. Friedrich Ebert Stiftung
7. Lavrelashvili
8. Cenusă
9. Popescu
10. Wolfschenger
11. Laure Delcour
12. The European Union Border Assistance Mission to Moldova and Ukraine (EUBAM)

موافقت‌نامه همکاری و موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه تمرکز کرده است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که این سیاست‌ها تا چه حد سبب افزایش روابط میان اتحادیه اروپا و مولداوی شده است؟ او معتقد است که بی‌ثباتی سیاسی، منازعه و رانیستریا و تنش‌های منطقه‌ای مهم‌ترین موانع در پیشبرد این سیاست است. گومن<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، کالوس<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) و کوشلر<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) نیز به اهمیت منازعه و رانیستریا در روابط دوطرف اشاره می‌کنند.

دسته چهارم، با نگاهی هنجاری به موضوع نگریسته‌اند. امی وردون و گابریلا چیرا<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «از همسایگی تا عضویت: بررسی راهبرد مولداوی در برابر اتحادیه اروپا»، روند تاریخی روابط از سال ۲۰۰۵ را بررسی می‌کنند. نویسندگان، این روند را نشانه‌ای از امکان عضویت این کشورها در اتحادیه اروپا می‌دانند. شاخص‌های اصلی این مقاله این‌ها هستند: قوانین، نهادهای قانونی و رویه‌های قانونی. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که روند همگرایی از بسیاری ابعاد مشابه معیارهای کپنهاگ است و شانس مولداوی برای عضویت در اتحادیه اروپا را افزایش می‌دهد. در همین زمینه، نیمان و وکر<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) این مسئله را تحلیل می‌کنند که اتحادیه اروپا تا چه حد توان اعمال نفوذ هنجاری بر مولداوی را دارد. آن‌ها این پرسش را مطرح می‌کنند که چگونه اتحادیه اروپا برای حل منازعه و رانیستریا با رویکردی هنجاری وارد عمل شده است؟ نویسندگان به این نتیجه می‌رسند که قدرت هنجاری اروپا را می‌توان به‌عنوان متغیر میانجی میان اروپا و مولداوی تفسیر کرد. آن‌ها قدرت هنجاری اروپا را در سه شاخص نیت هنجاری، روند هنجاری و تأثیر هنجاری بررسی کرده‌اند. از نظر آنان مهم‌ترین هدف اروپا، ارتقای دموکراسی و حکمرانی خوب، مهم‌ترین روند هنجاری، روند انعطاف‌پذیری با اتحادیه اروپا و مهم‌ترین اثر هنجاری، تغییر هنجارها در اروپا است.

سرانجام دسته پنجم بر نقش نهادهای درون اروپایی در پیشبرد روابط تکیه دارند. سکرپرو<sup>۶</sup> (۲۰۱۴)، سوجیک و دیگران<sup>۷</sup> (۲۰۱۹) و کریستینا موراری<sup>۸</sup> (۲۰۱۶) نقش نهادهای اروپایی را بررسی کرده‌اند. پژوهش موراری با عنوان «نقش اتحادیه اروپا در جمهوری مولداوی: همگرایی اروپایی در قالب مشارکت شرقی»، بر روند همگرایی اروپایی تأکید می‌کند که کانال اصلی

1. Gumene
2. Calus
3. Küchler
4. Amy Verdun and Gabriella Chira
5. Anne Niemann and Tessa De Wekker
6. Secieru
7. Cvijic and Others
8. Cristina Morari

اعمال آن از راه بورس پژوهشی ماری کوری و ارتباط علمی میان نخبگان دانشگاهی و پژوهشگران جوان و فرصت‌سازی برای جامعه علمی مولداوی است. این سیاست‌ها در راستای هدف‌های هنجاری اتحادیه اروپا تعریف شده‌اند. از دید نویسنده موافقت‌نامه همکاری، موافقت‌نامه تجارت آزاد و آزادسازی ویزا پاداشی هستند که مولداوی از اتحادیه اروپا دریافت کرده است. جانسون نوگس<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در مقاله خود بحران وجودی اتحادیه اروپا و هدف آن از ایجاد امنیت هستی‌شناسانه درون و میان همسایگان، با استفاده از روش تحلیل روایی را تحلیل کرده است. او بالغ بر ۶۰ سند رسمی را در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ مطالعه کرده است و توضیح می‌دهد چگونه نخبگان سیاسی اتحادیه اروپا، اتحادیه را به‌عنوان خودی و همسایگان را به‌صورت دیگری تعریف کرده‌اند.

### چارچوب نظری و مفهومی

نظریه نوکارکردگرایی را کسانی چون ارنست هاس،<sup>۲</sup> نیمان<sup>۳</sup> و لئون لیندبرگ<sup>۴</sup> مطرح کرده‌اند. تعمیق و توسعه همگرایی اروپا در دهه ۱۹۹۰ سبب احیای نظریه نوکارکردگرایی شد و نوکارکردگرایان این تحول را نشانه قدرت تبیین منطق تسری در نظریه خود تفسیر کردند (Dehghani Firouzabadi, 2010: 112). بازیگران در این نظریه، به‌مثابه کارگزاران عقلانی مفروض شده‌اند که در پی به حداکثر رساندن سود خود هستند؛ اما در همان حال ظرفیت یادگیری و تغییر ترجیحات را نیز دارند (Hass, 1958: 291). ارزیابی نوکارکردگرایان از سیاست خارجی اتحادیه اروپا، بر منطق درونی همگرایی استوار است. از این نظر سیاست خارجی اتحادیه اروپا از همکاری پیشین اروپا در حوزه‌های اقتصادی سرچشمه می‌گیرد (Dehghani Firouzabadi, 2004: 148)، اما این منطق درون‌گرا، به مرور زمان وارد فاز برون‌گرایی شده است. نوکارکردگرایی معتقد است که فرایند همگرایی، فرایندی بالا به پایین است که ابتدا نخبگان سیاسی آن را می‌پذیرند و اجرا می‌کنند و بعد به سطح عمومی تسری می‌یابد (Scrinic, 2014: 222). نوکارکردگرایان در جریان همگرایی، میان عمق و سطح<sup>۵</sup> از یک‌سو و وسعت و دامنه<sup>۶</sup> از سوی دیگر تمایز قائل می‌شوند. سطح همگرایی در درجه اول دربردارنده

- 
1. Johnson Nagues
  2. Ernest Hass
  3. Aron Nieman
  4. Leon Lindberg
  5. Level/Depth
  6. Scope/Breadth



میزان اشراف نهادها و قوانین فراملی بر موضوع‌ها و سیاست‌ها است؛ درحالی که عمق همگرایی به وسعت موضوع‌های مرتبط با سطح اشاره دارد (Nieman, 2006: 55). همین رویکرد سبب ایجاد سرعت و سطح متفاوت در روند همگرایی می‌شود.

از دید آن‌ها، نهادهای فراملی، نقش مهمی در فرایند همگرایی ایفا می‌کنند و اتحادیه اروپا یکی از مهم‌ترین نهادهای فراملی است. نوکارکردگرایی بر مبنای هستی‌شناسی انتخاب عقلانی سفلی بنا شده است و دلالت بر ترجیحات بازیگران دارد که البته ثابت نیستند (Haas, 2001: 23). سطح همگرایی می‌تواند از سطح سفلی به اعلی منتقل شود. این فرایند به واسطه منطق تسری<sup>۱</sup> رخ می‌دهد. بدان معنا که هرگونه همکاری در حوزه‌های اقتصادی، کم‌کم به حوزه‌های دیگر نیز تسری می‌یابد و سرانجام به همگرایی سیاسی می‌رسد (Dehghani Firouzabadi, 2004: 146). به بیانی، تسری در همان حال که ابزاری برای توصیف روند همگرایی است؛ موتور محرکه و منطق ذاتی آن نیز محسوب می‌شود (Haas, 2001: 26). همگرایی در یک بخش منجر به ایجاد فشارهای فنی می‌شود که دولت‌های عضو را به سوی همگرایی در بخش‌های دیگر سوق می‌دهد (Hass, 1958: 297).

در چارچوب فکری نوکارکردگرایان، مفهوم تسری در سه سطح رخ می‌دهد: تسری کارکردی،<sup>۲</sup> تسری سیاسی<sup>۳</sup> و تسری ناشی از فشار نهادهای فراملی<sup>۴</sup>. مفهوم تسری کارکردی در شرایطی رخ می‌دهد که دستیابی به یک هدف، در گرو به‌کارگرفتن سیاست‌های همگرا باشد. مبنای ایجاد چنین تسری، وجود حوزه‌های موضوعی مشترک است (Lindberg, 1963: 10).

نوع دوم، تسری سیاسی است. در واقع، حکومت ملی با همکاری بیشتری در حوزه‌های سیاسی و امنیتی به فشارهای کارکردی واکنش نشان می‌دهد (Hamulak and Chochia, 2014: 146). هاس و لیندبرگ معتقدند که سیاست مشارکت شرقی بر همگرایی دولت‌های اروپای شرقی در منطقه اقتصادی اروپا دلالت دارد که با انتقال حاکمیت به نهادهای فراملی همراه است؛ اما عاری از مشارکت دولت‌های شریک در مجموعه‌های فراملی است (Scrinic, 2014: 221). همان‌طور که اشاره کردیم؛ بازیگران، عقلانی مفروض می‌شوند. در نتیجه به سوی تنوع‌بخشی به انتخاب‌ها در سطح فراملی حرکت می‌کنند و سرانجام، تقاضا برای قوانین بین‌المللی نیز افزایش می‌یابد و روند همگرایی نیز تسریع خواهد شد.

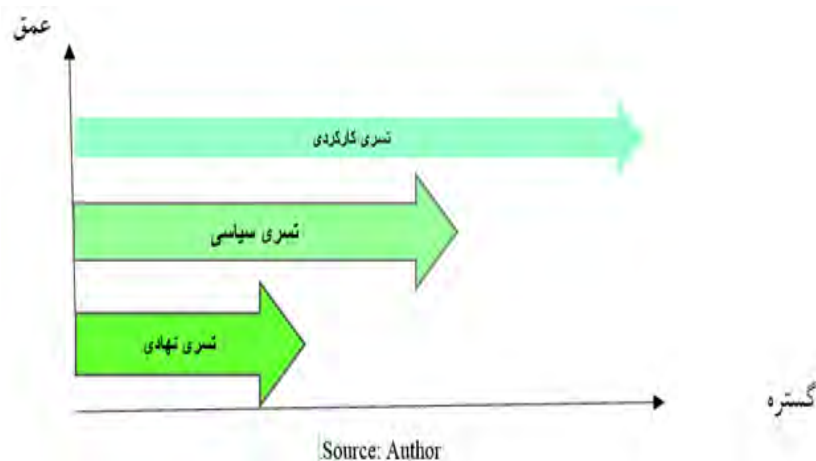
- 
1. Spillover
  2. Functional Spillover
  3. Political Spillover
  4. Cultivated Spillover

سرانجام می‌توانیم بگوییم که منظور از تسری ناشی از فشار نهادهای فراملی، فشارهایی هستند که با ایجاد نهادهای بین‌المللی، سبب پیشبرد همگرایی می‌شوند. هدف از این نوع تسری، ادامه پیدا کردن روند همگرایی است. در واقع برای مدیریت پیچیده فن‌سالارانه، حکومت‌های عقلانی به کارشناسان و دیوان‌سالاران اختیاری می‌دهند و این‌گونه بازیگران جدید فراملی شکل می‌گیرند (Moravcsik, 2005: 353). اما اگر این اتفاق رخ دهد؛ به دلیل منطق تسری، همکاری‌های بخشی، به یکدیگر وابسته شده و سیستم حکمرانی تقویت می‌شود (Scrinic, 2014: 221). این نهادها شروع به اعمال نفوذ در نخبگان، به نفع تعمیق همگرایی خواهند کرد و مهارت‌های فنی را ارتقا می‌دهند. یعنی، مجموعه نهادهای اتحادیه اروپا وارد مذاکره با کارآفرینان<sup>۱</sup> فراملی می‌شوند و تماس جمعی آن‌ها با گروه‌های نفوذ و مقام‌های ملی را تسری نهادی می‌نامند (Warnars, 2020: 22).

سیاست همسایگی اروپا، مولد ایجاد حلقه دوستان اروپا است که از منطق انتقال وفاداری به سوی یک مرکز جدید نهادی تبعیت می‌کند. بنابراین گسترش اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ سبب تقویت همگرایی بخشی و پیشبرد سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا شد که سیاست مشارکت شرقی را نیز دربر می‌گرفت (Scrinic, 2014: 220). در واقع در چارچوب نظریه نوکارکردگرایی، می‌توان به سیاست مشارکت شرقی به مثابه یک حلقه گرانشی نگریست که اتحادیه اروپا در مرکز آن قرار گرفته است و کشورها بنا بر اراده نخبگان سیاسی یا ظرفیت جذبشان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. سیاست مشارکت شرقی فرایندی دو سرعته است. مولداوی در گروه پرسرعت‌ها قرار گرفته است که استانداردهای اتحادیه اروپا را بهتر از دیگران اجرا کرده و علاقه‌مند به نزدیکی بیشتر است. اگر این نظریه را در تحلیل همکاری میان اتحادیه اروپا و مولداوی به کار ببندیم به این نتیجه می‌رسیم که تعمیق همگرایی به نفع هر دو طرف است. در این نوشتار انواع تسری رخ داده در همگرایی میان اتحادیه اروپا و مولداوی را بررسی می‌کنیم. در این فرایند، همگرایی میان دو طرف از نظر عمق/سطح و وسعت/دامنه را مطالعه می‌کنیم. با بهره‌گیری از توضیح‌های ارائه شده، برای آزمون فرضیه به مدل مفهومی زیر می‌رسیم:

---

## 1. Entrepreneurships



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

### بحث اصلی

#### الف) همگرایی از راه تسری کارکردی

منطق تسری کارکردی را می‌توان در حوزه سیاست خارجی اتحادیه اروپا در برابر مولداوی به کار برد. چون در اتحادیه اروپا میان سیاست داخلی و خارجی رابطه مستقیم وجود دارد و ما شاهد پررنگ شدن نقش ضرورت بُعد خارجی در سیاست‌های داخلی هستیم (Bergmann, 2019: 1256). از نظر هاس، تسری کارکردی نشانگر منطق حاکم بر پیشبرد همگرایی است و تأکید آن بر نخبگان سیاسی و اقتصادی است (Moravcsik, 2005: 352). مبنای ایجاد این نوع همگرایی، «نیاز» است (Malskyy and Others, 2020: 210). در واقع این نوع تسری بر مبنای هدف‌های اولیه رخ می‌دهد. آنچه از سال ۲۰۰۴ رخ داد و طی آن مولداوی برخی استانداردهای اتحادیه اروپا را پذیرفت؛ بر این منطق استوار است. فشار داخلی حفظ امنیت درون اروپایی، به هدف خارجی اجرای سیاست مشارکت شرقی منجر شد. مولداوی مانند هر کشور دیگر حاضر در سیاست مشارکت شرقی، آیین‌نامه منحصراً به خود را دارد که با هدف تقریب استانداردهای اقتصادی و سیاسی به اتحادیه اروپا تدوین شده است. این برنامه با نام موافقت‌نامه مشارکت و همکاری<sup>۱</sup> شناخته می‌شود. برخی از اولویت‌های این موافقت‌نامه عبارتند از:

- تلاش مداوم برای رسیدن به راه‌حل دائمی در حل منازعه و رانیستریا؛
- تقویت ثبات و کارایی نهادهای دموکراتیک و حاکمیت قانون؛

1. PCA

- تضمین احترام به آزادی رسانه و آزادی بیان؛

- تقویت ظرفیت اداری و قضایی؛

- ایجاد نظام مدیریت مرزی کارآمد؛

- مدیریت موج مهاجرت (Van Seeters, 2010: 49)

در سال ۲۰۰۷، «پلتفرم سرمایه‌گذاری در محیط همسایگی»<sup>۱</sup> تصویب شد. در این برنامه بر حمایت از انتخابات آزاد، آزادی رسانه و دیگر معیارهای حکمرانی خوب تأکید شد و اتحادیه اروپا ۴،۴ میلیون یورو به اصلاح سیستم قضایی این کشور اختصاص داد. در برنامه دومی که در سال ۲۰۱۲ تصویب شد؛ این میزان به ۲۸ میلیون یورو رسید (De Medico, 2014: 21). در ارتباط با اجرای شاخص‌های حکمرانی خوب بر مواردی مانند مبارزه با فساد، افزایش شفافیت، کارایی حکومت ملی، بهبود استانداردهای فنی، حاکمیت قانون، مدیریت مرزی و اصلاح نظام پلیس تأکید شد (Montesano and Others, 2016: 10). برای نمونه اتحادیه اروپا، توجه ویژه‌ای به مسئله مبارزه با فساد در مولداوی نشان داد. برای تضمین فرایند مبارزه، از استانداردهای «مجموعه دولت‌های شورای اروپا علیه فساد»<sup>۲</sup> استفاده شد. اما این استاندارد حتی در برخی دولت‌های عضو نیز به خوبی رعایت نمی‌شود و تنها ۱۱ کشور اتحادیه اروپا بدان پایبند هستند (Niemann and De Wekker, 2010: 16). از سال ۲۰۰۹ بسیاری از معیارهای یادشده در مولداوی بهبود یافت. هرچند نظام سیاسی این کشور بی‌ثبات و فاسد است؛ تکثرگرتر از کشورهای دیگر حاضر در سیاست همسایگی اروپا محسوب می‌شود (Popescu, 2015: 1).

عنصر مهم دیگر برای اتحادیه اروپا، مسئله ورنیستریا است. نقش اتحادیه اروپا در حل منازعه، شرکت در مذاکرات ۲+۵ (روسیه، مولداوی، اوکراین، ورنیستریا و سازمان امنیت و همکاری اروپا)<sup>۳</sup> + اتحادیه اروپا و آمریکا) از سال ۲۰۰۵ بود. مذاکرات ۲+۵ پیرامون این ۳ محور می‌پرخید: محور اقتصادی و اجتماعی، محور حقوقی و محور حل و فصل کامل منازعه در ابعاد نهادی، سیاسی و امنیتی (Ivan, 2014: 3). اما فلسفه وجودی آن، جلوگیری از ورود غیرقانونی کالاهای این منطقه به مولداوی و تضعیف دولت دوفاکتو تیراسپول<sup>۴</sup> بود. در سال ۲۰۱۰ مولداوی خواستار تغییر جایگاه اتحادیه اروپا از ناظر به میانجی در این مذاکرات شد که

1. NIP: Neighborhood Investment Platform

2. GRECO: Council of Europe Group of State against Corruption

3. OSCE: Organization for Security and Co-operation in Europe

4. Tiraspol

نماینده اتحادیه اروپا در کیشناو پذیرفت. در همین زمینه بود که اتحادیه اروپا نماینده ویژه در امور مولداوی<sup>۱</sup> را منصوب کرد و بر برنامه مدیریت مرزی اتحادیه اروپا در مرز میان اوکراین و مولداوی تأکید کرد.

مجموعه استانداردهای فرعی مشخص شده در این توافق برای مولداوی، سندی ۱۷ هزار صفحه‌ای بود که برای تسهیل همگرایی مولداوی در بازار واحد اروپایی، موافقت‌نامه دیگری با نام «نمای عمومی ترجیحات»<sup>۲</sup> تدوین شد. این برنامه امتیازهای تعرفه‌ای برای ۲۷۰۰ کالا را مشخص می‌کرد (Brown, 2015: 9). البته همگرایی در بازار واحد اروپا از سال ۲۰۰۹ و بستن موافقت‌نامه همکاری به دست آمد. امتیازهای حاصل از این سیاست برای مولداوی این‌ها بودند:

- همکاری میان اتحادیه اروپا و مولداوی در حوزه‌های مبادله اسناد بین‌المللی، مهاجرت و مبارزه با قاچاق؛

- عضویت مولداوی در جامعه انرژی اروپا در مه ۲۰۱۰ که به معنای تعهد مولداوی به بسته‌های ۲ و ۳ انرژی اروپا بود؛

- توسعه منطقه‌ای به علاوه امضای یادداشت تفاهم<sup>۳</sup> که در واقع اعلامیه‌ای مشترک مربوط به گفت‌وگو در مورد سیاست‌های منطقه‌ای بود (Morari, 2016: 415).

مشخص است که گستره تسری کارکردی بسیار فراخ است؛ اما از نظر عمق، این سیاست‌ها، ضعف در اجرا داشتند. قرار بود اجرای آیین‌نامه اتحادیه اروپا، منجر به اروپایی شدن مولداوی شود؛ اما تحقق این امر برای مولداوی که هنوز جامعه‌ای سلسله مراتبی کمونیستی است؛ دشوار بود. روند ملت‌سازی در مولداوی هنوز تکمیل نشده است و سیاست مشارکت شرقی نیز برنامه‌ای برای تحقق آن ندارد (Van Seeters, 2010: 51). مولداوی دائم در معرض تحریم روسیه، کاهش فعالیت اقتصادی اتحادیه اروپا به دلیل بحران اوکراین و نداشتن ثبات اقتصادی قرار دارد. بنابراین دستاوردهای اقتصادی این همگرایی بسیار شکننده است (Popescu, 2015: 1).

از دیگر دلایل عمیق نشدن تسری کارکردی، شرایط داخلی مولداوی است. بعد از انقلاب توئیتری در مولداوی در سال ۲۰۰۹، این کشور تبدیل به نظامی چندقطبی شد. در این سال برای اولین بار احزاب طرفدار اروپا توانستند حزب کمونیست<sup>۴</sup> را شکست دهند

1. EUSR: The European Union Special Representatives  
 2. GSP+: General Scheme of Preferences  
 3. Memorandum of Understanding  
 4. PCRM

(Montesano and Others, 2016: 6). اما زمانی که این ائتلاف آماده اجرای اصلاحات اروپا شد؛ بن بست سیاسی ناشی از فساد و رکود اقتصادی رخ نمود. در نتیجه در جریان انتخابات سال ۲۰۱۴ احزاب اروپامحور بیشتر مورد انتقاد قرار گرفتند. طی فساد مالی سال ۲۰۱۴، مشخص شد که پای احزاب اروپامحور به رهبری ولاد فیلات<sup>۱</sup> در میان بوده است. مجموعه این مسائل جلوی اجرای همه جانبه موافقت نامه همکاری را گرفت.

### ب) همگرایی از راه تسری سیاسی

زمانی که حوزه های مختلف سیاست گذاری، نه به دلیل ارتباط کارکردی و فنی، بلکه به دلیل سیاسی یا ایدئولوژیک به هم مرتبط می شوند؛ تسری سیاسی رخ می دهد (Malskyy and Others, 2020: 210). در این نوع تسری، بازیگران ملی برای همکاری بیشتر، تلاش می کنند و انتقال وفاداری از سطح ملی به سطح فراملی آغاز می شود. بعد از سال ۲۰۱۴، سیاست مشارکت شرقی را بازیگران فراملی حکومتی و غیرحکومتی به پیش بردند که به دنبال منافع فراملی بودند. موافقت نامه مشارکت و همکاری در سال ۲۰۱۴ جای خود را به «موافقت نامه همکاری»<sup>۲</sup> جدید داد. این سال در مولداوی، سال ثبات سیاسی بود و دستاوردهای مهم این سیاست به شکل گسترش روابط مولداوی و اتحادیه اروپا نمود یافت (Fontana, 2015: 2). بلندپروازی کیشینا و در فاصله گیری از روسیه، ایزوله کردن احزاب کمونیستی و خیز به سوی هویت اروپایی، مهم ترین موتورهای محرکه این موقعیت جدید بود. برای نمونه مولداوی با وجودی که عضو اتحادیه اروپا نیست؛ اما در سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اروپا<sup>۳</sup> حضور پیدا کرد و حتی در عملیات مستشاری اتحادیه اروپا در آفریقای مرکزی نیز شرکت کرد (Facts and Figures, 2020). مصداق بارز تسری سیاسی، بستن موافقت نامه تجارت آزاد عمیق و همه جانبه بود. این موافقت نامه با هدف افزایش همکاری سیاسی و همگرایی اقتصادی در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۴ امضا و از جولای ۲۰۱۶ اجرایی شد و به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی، حکمرانی، ارتباطات و جامعه مدنی بود. موافقت نامه تجارت آزاد عمیق و همه جانبه به شکل کامل در چارچوب نخبگان سیاسی و اقتصادی و نه مردم صورت پذیرفت. درحالی که قسمت مهم مقاومت های اولیه در برابر این موافقت نامه را کشاورزان و تاجران خرده پا در بندهای مربوط به

1. Vlad Filat

2. AA: Association Agreement

3. CDSP: Common Defense and Security Policy

کشاورزی و محصولات غذایی انجام دادند؛ اما تحریم شراب، سیب و سبزیجات مولداوی توسط روسیه، سبب شد تا آن‌ها نیز سرانجام با آن همراه شوند (Brown, 2015: 18).

در جریان انتخابات ۲۰۱۴، احزاب پاتریا،<sup>۱</sup> سوسیالیست و کمونیست، کمپینی علیه این موافقت‌نامه به راه انداختند. در همه‌پرسی سال ۲۰۱۵ منطقه خودمختار و ترک‌نشین گاگائوزیا<sup>۲</sup> نیز ۹۷/۲ درصد علیه همگرایی اقتصادی با اروپا رأی داد (Brown, 2015: 21). حتی کلیسای ارتدکس مولداوی که اسقف اعظم آن مستقیم از سوی کلیسای ارتدکس مسکو انتخاب می‌شود؛ پویش علیه آن به راه انداخت و این موافقت‌نامه را آغازی برای آزادشدن همجنس‌بازی، روسپی‌گری و اعتیاد در آینده قلمداد کرد (Brown, 2015: 21).

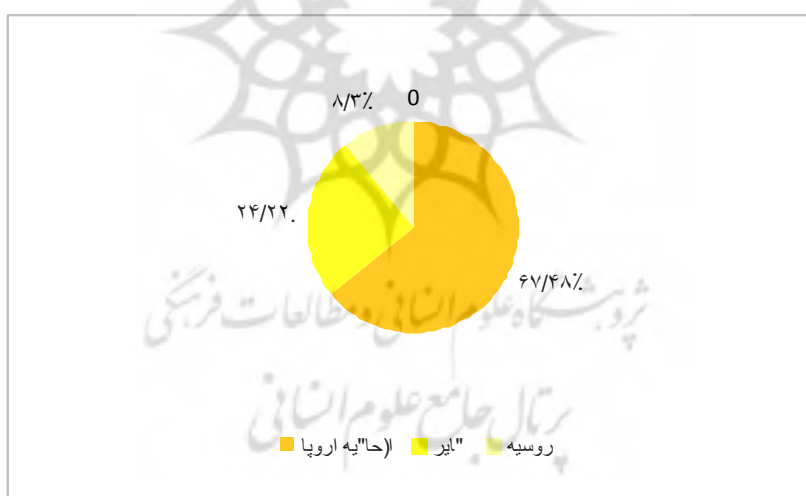
در بعد سیاسی، مهم‌ترین دستاورد این موافقت‌نامه، آزادسازی ویزا بود. در آوریل ۲۰۱۴، مولداوی اولین کشور حاضر در سیاست مشارکت شرقی بود که آزادسازی ویزا در آن اجرایی شد. از ۲۸ آوریل ۲۰۱۴، شهروندان مولداوی اجازه ورود به منطقه شنگن، بدون نیاز به گرفتن ویزا را پیدا کردند. یعنی شهروندان مولداوی می‌توانند برای ۳ ماه و با فاصله ۶ ماه بدون نیاز به ویزا، وارد اتحادیه اروپا شوند. به‌دنبال اجرای آن، تماس‌های سطح بالا میان دو طرف افزایش یافت. تعداد مسافرت‌های هوایی فرودگاه کیشناو نیز از ۸۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۹ به ۱،۷ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ رسید که نتیجه نظام آزادسازی ویزا بود (Popescu, 2015: 1).

در مورد ورنیستریا، تأکید اروپا بر همکاری با این منطقه در قالب این موافقت‌نامه بود. از سال ۲۰۱۶ و اجرای ابزارهای اعتمادسازی و همگرایی بسته هشت که سازمان امنیت و همکاری اروپا ارائه کرد، پیشرفت‌هایی در این زمینه دیده می‌شود. این روش، پایین به بالا و بر مبنای همگرایی دوفاکتو است و شامل مواردی مانند به رسمیت شناخته‌شدن دیپلم‌های صادرشده از ورنیستریا در مولداوی، اجازه سفر و سایل نقلیه ورنیستریایی دارای پلاک بین‌المللی به مولداوی، همگرایی در بازار ارتباطات تلفنی، قانون استانداردهای زیست محیطی در ساحل رودخانه دنیستر، نظارت بر جرائمی که شهروندان هر منطقه در منطقه دیگر انجام می‌دهند، آموزش زبان مولداوی به خط لاتین در مدرسه‌های ورنیستریا، تضمین دسترسی کشاورزان مولداوی به زمین‌های کشاورزی دوباساری<sup>۳</sup> در ورنیستریا و سرانجام گشایش دوباره پل گورا و بیکولی<sup>۴</sup> بود (De Waal and Von Twickel, 2020: 145). در حال حاضر

---

1. Patria  
2. Gagauzia  
3. Dubasari  
4. Gura-Bicului

تیراسپول از امتیازهای موافقت‌نامه مولداوی با اتحادیه اروپا برخوردار است. بدین منظور بازرگانان و رانیستریا، شرکت خود را در کیشناو ثبت می‌کنند و حتی مالیات مضاعف را نیز می‌پردازند؛ ولی در عوض به بازار اروپا دست پیدا می‌کنند (Josan and Nofit, 2019: 21). دستاوردهای اقتصادی اجرای این طرح نیز درخور توجه بوده است؛ هر چند تراز تجاری همچنان به ضرر مولداوی است. صادرات مولداوی در سال ۲۰۱۹ به ۲۱۸،۳ میلیون دلار و واردات آن به ۵۳۹،۷ میلیون دلار رسید. این کشور دارای کسری تجاری ۳۲۱،۴ میلیون دلاری است (CEIC, 2020). بیش از ۶۰ درصد صادرات مولداوی به اتحادیه اروپا می‌رود و تنها ۸ درصد آن وارد روسیه می‌شود (Cazat, 2019). در شکل ۲ مهم‌ترین شرک‌های تجاری مولداوی را می‌بینیم که بیشترشان کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند. در زمینه واردات نیز اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شرک مولداوی محسوب می‌شود. بعد از آن به ترتیب روسیه، چین و اوکراین قرار می‌گیرند (UN, 2020). صادرات عمده این کشور به اتحادیه اروپا لباس، پارچه، سبزیجات، روغن، دانه‌های گیاهی و مهم‌ترین واردات آن از اتحادیه اروپا ماشین آلات، مواد معدنی، مواد شیمیایی و اتومبیل است (Chirila, 2015: 57).



شکل ۲. شرک‌های تجاری مولداوی

Source: UN, 2020.



نتایج این سیاست در جذب سرمایه نیز درخور توجه است. ۶۰ درصد کل سرمایه‌گذاری خارجی مولداوی از مبدأ اتحادیه اروپا است. در زمینه پرداخت وام و کمک نیز نقش اتحادیه اروپا بسیار اهمیت دارد. در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ کل کمک اتحادیه اروپا به مولداوی در قالب طرح مشارکت شرقی که شامل حمایت از تأمین بودجه این کشور، کمک فنی و کمک سیاسی می‌شود، بین ۶۱۰-۷۴۶ میلیون یورو بوده است (Josan and Nofit, 2019: 16). مقام‌های دو طرف نیز در مورد یک نقشه راه برای اصلاحات ساختاری توافق کردند. در ژانویه ۲۰۱۷ اتحادیه اروپا کمک مالی دیگری نیز به این کشور اختصاص داد. البته این ارقام، جدای از کمک دولت‌های عضو مانند رومانی به صورت مستقل است.

بانک سرمایه‌گذاری اروپا<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین وام‌دهندگان به حکومت و شرکت‌های مولداوی است و تاکنون از ۱۴ طرح در مولداوی به ارزش ۵۵۷،۵۵ میلیون دلار حمایت کرده است (Chirila, 2015: 57). حوزه‌های اصلی سرمایه‌گذاری بانک عبارت است از زیرساخت جاده‌ها، امنیت انرژی و صنعت شراب. در سال ۲۰۱۹ بانک سرمایه‌گذاری اروپا ۲۵ میلیون یورو وام برای حمایت از طرح‌های مربوط به راهبرد مدیریت پسماند در مولداوی اختصاص داد (EIB, 2020).

در مورد گستره تسری توضیح داده شد؛ اما عقب‌ماندگی سیستم بانکی مولداوی و بخش سرمایه سبب شد که تولیدکنندگان بزرگ‌تر و کشاورزان با هزینه‌های انطباقی بالایی روبه‌رو شوند و سبب تقویت احزاب کمونیستی شود. بنابراین به دلیل فساد و کمبود کارشناسان فنی و آموزشی، مولداوی نتوانست از این طرح به اندازه کافی بهره ببرد. در اروپا نیز نوعی خلأ راهبردی نسبت به این سیاست مشاهده می‌شود. به دنبال انتخابات غیردمکراتیک سال ۲۰۱۸ در مولداوی، باردیگر اتحادیه اروپا کمک مالی به مولداوی را متوقف کرد و پارلمان اروپا یک قطعنامه انتقادی علیه این کشور صادر کرد. بنابر ماده ۱۶ موافقت‌نامه همکاری، مولداوی و اتحادیه اروپا باید در مورد مبارزه با فساد، همکاری کنند (Josan and Nofit, 2019: 11). اما مقاومت‌هایی در مولداوی در این زمینه مشاهده می‌شود. به‌ویژه در مورد پرونده ایلان شور<sup>۲</sup> که به فساد فعال در این کشور متهم شده است. بنابر کنوانسیون مبارزه با فساد مقام‌های جوامع اروپایی یا دولت‌های عضو در اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۷ فساد فعال به هرگونه پیشنهاد یا اعطای امتیاز مادی به یک مقام دولتی در ازای تعهد وی به انجام یا اجتناب از انجام وظایف

1. EIB: European Investment bank

2. Illan Shor

رسمیش گفته می‌شود. سطح فساد غیر فعال نیز در این کشور بالا است. منظور از فساد غیرفعال، هرگونه درخواست امتیاز مادی از سوی کارمند دولت یا دارنده منصب دولتی یا عمومی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ازای انجام یا اجتناب از انجام عملی که در محدوده وظایف رسمی‌اش بیان شده است. پرونده ولاد فیلات نمونه بارز این نوع فساد بود.

### ج) همگرایی از راه تسری ناشی از نهادهای فراملی

در این مرحله به تدریج، بازیگران فراملی، به عنوان واسطه‌ای میان بازیگران ملی عمل کرده و در همان حال همگرایی سیاسی را پیش می‌برند. نهادهای فراملی اتحادیه اروپا، به ویژه کمیسیون به مثابه کارآفرینان سیاسی رفتار می‌کنند تا هدف‌های خود را تعقیب کنند. برای نمونه با وجودی که کمیسیون، بیشتر نقش میانجی میان شورای اروپا و دولت‌های عضو را دارد؛ فراتر از آن به عنوان یک بازیگر سیاسی یا کارآفرین نیز حاضر می‌شود (Malskyy and Others, 2020: 211). نکته مهم در مورد تسری نهادی همگرایی میان اتحادیه اروپا و مولداوی، مشروط بودن آن است. به بیانی، این کمک‌ها وابسته به رضایت اتحادیه از موفقیت در برنامه‌های تعریف شده در تسری سیاسی هستند. در همین زمینه بود که برای نمونه اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۹ شروع به تزریق سرمایه برای تأمین بودجه ملی مولداوی کرد. در این بسته کمک مالی، ۴۲ میلیون یورو برای تجهیز شهر کاهول،<sup>۱</sup> تأمین آب آشامیدنی آن، بهبود کارایی بخش انرژی و ارتقای جامعه مدنی تخصیص داده شد (EC, 2020).

در مولداوی نیز تغییرهای نهادی متعددی برای گسترش همکاری‌ها و تبادل نهادی انجام شده است. برای نمونه آن‌ها کمیته ملی همگرایی اروپایی<sup>۲</sup> را به ریاست نخست‌وزیر تأسیس کردند. حتی نام وزارت «امور خارجه» را به وزارت «امور خارجه و همگرایی اروپایی»<sup>۳</sup> تغییر دادند. در مولداوی، مدل درون نهادی همکاری اجرا شد که سلسه مراتبی و متمرکز است (Popescu, 2005: 3). در این قالب جدید، اداره‌ای برای همگرایی اروپایی ایجاد شد که به سه بخش همکاری سیاسی، اقتصادی و روابط با جنوب شرق اروپا تقسیم می‌شود. مولداوی سفارتخانه مجزایی برای اتحادیه اروپا در بروکسل دارد. مهم‌ترین شاخص‌های تسری ناشی از نهادهای فراملی عبارت‌اند از:

- ترجیح بازیگران فراملی در مورد پیشبرد همگرایی؛

1. Cahul  
2. National Commission for European Integration  
3. MFAEI

- نوآوری فراملی که به شکل ائتلاف‌سازی راهبردی،<sup>۱</sup> نفوذ در چانه‌زنی<sup>۲</sup> و چارچوب‌بندی جامعه<sup>۳</sup> رخ می‌دهد (Bergmann, 2019: 1258).

یکی از مهم‌ترین مصادیق تسری نهادی در حوزه نوآوری معطوف به ائتلاف‌سازی راهبردی، عضویت مولداوی در منطقه تجارت آزاد اروپای مرکزی<sup>۴</sup> است. اتحادیه اروپا، کشورهای بالکان غیرعضو و مولداوی در این سازوکار حضور دارند و محدودیت‌های تجاری میان خود را لغو کرده‌اند. این سازوکار برگ برنده‌ای برای کیشناو است. از یک‌سو آن را از بستن موافقت‌نامه‌های دوجانبه با تک‌تک این کشورها رها نمانده است؛ از سوی دیگر، در موضعی هم‌گراتر با اتحادیه قرار گرفته است. البته یک مشکل از نظر عمقی وجود دارد. همه کشورهای بالکان، برخلاف مولداوی، نامزد عضویت در اتحادیه هستند و از نظر فنی برخی مفاد این موافقت‌نامه شامل شرایط مولداوی نمی‌شود (Emerson, 2019: 8).

مهم‌ترین نهاد حوزه نوآوری معطوف به چانه‌زنی، سازوکار آیین‌نامه ملی اجرای موافقت‌نامه همکاری<sup>۵</sup> بود که برای دوره دوساله در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ تصویب شد. این سازوکار، ابزار اصلی نظارت بر روند همگرایی محسوب می‌شود و در کنار آن سه نهاد فرعی شورای همکاری، شورای کمیته و شورای پارلمانی نیز شکل گرفت (Morari, 2016: 417). در نوآوری معطوف به چارچوب‌بندی جامعه، اتحادیه اروپا یک برنامه تأمین مالی ویژه مولداوی در قالب ابزارهای سیاست همسایگی طراحی کرده است که دوره اجرای آن سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ است. برای نمونه در سال ۲۰۱۷، اتحادیه اروپا ۵۶ میلیون یورو به طرح‌هایی مانند حمایت از توانمندسازی شهروندان برای حضور در تصمیم‌گیری سیاسی تخصیص داد (Cazat, 2019).

در موافقت‌نامه همکاری به همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد تأکید زیادی شده است. پلت‌فرم مولداوی در مجمع جامعه مدنی مشارکت شرقی،<sup>۶</sup> نوآوری‌هایی در همکاری با اتحادیه اروپا داشته است. در راستای گسترش ارزش‌های اروپایی این پلت‌فرم، پویایی برای اطلاع‌رسانی در مورد امتیازهای موافقت‌نامه تجارت آزاد به مردم تهیه کرده است (Chirila, 2015: 49). این نوع همکاری‌ها بیشتر افقی هستند. همان‌طور که گفتیم، نهاد‌های

1. Strategic Coalition Building
2. Bargaining Influence
3. Community Framing
4. CEFTA: Central European Free Trade Area
5. National Action Plan for Implementation of the Association Agreement
6. The Moldovan National Platform of the Eastern Partnership Civil Society Frum

اتحادیه اروپا در این سطح به عنوان کارآفرینان سیاسی عمل می‌کنند که با نوآوری خود روند همگرایی را به پیش می‌برند. سه کارآفرین مهم این حوزه پارلمان اروپا، کمیسیون اروپا و شورای اروپا هستند:

- **پارلمان اروپا:** در جولای ۲۰۱۷، پارلمان اروپا به درخواست کمیسیون مبنی بر کمک مالی<sup>۱</sup> ۱۰۰ میلیون یورویی به مولداوی موافقت کرد (Damen, 2019). اما در جولای ۲۰۱۸، زمانی که در انتخابات محلی کیشناو تقلب شد؛ اولین قسط این وام را اروپایی‌ها بلوکه کردند. بودجه‌بندی این کمک عبارت بود از ۳۷ میلیون یورو به وزارت اقتصاد و پارلمان مولداوی برای اجرای اصلاحات اقتصادی و ۶۴ میلیون یورو به برنامه همسایگی اروپا برای کشاورزی و توسعه روستایی<sup>۲</sup> (Morari, 2016: 418). اما مهم‌ترین بازیگری پارلمان اروپا به واسطه یورونست<sup>۳</sup> اتفاق می‌افتد. در مه ۲۰۱۱، یورونست یک فروم پارلمانی برای بهبود همکاری سیاسی و همگرایی اقتصادی میان اتحادیه اروپا و شریک‌های شرقی ایجاد کرد. هدف‌های یورونست تقویت، توسعه و شفافیت همکاری‌ها است. این نهاد در واقع، نهاد مسئول همکاری‌های پارلمانی میان دو طرف محسوب می‌شود. یورونست این چهار کمیته اصلی را دارد که هرکدام در حوزه موضوعی خود فعالیت می‌کنند:

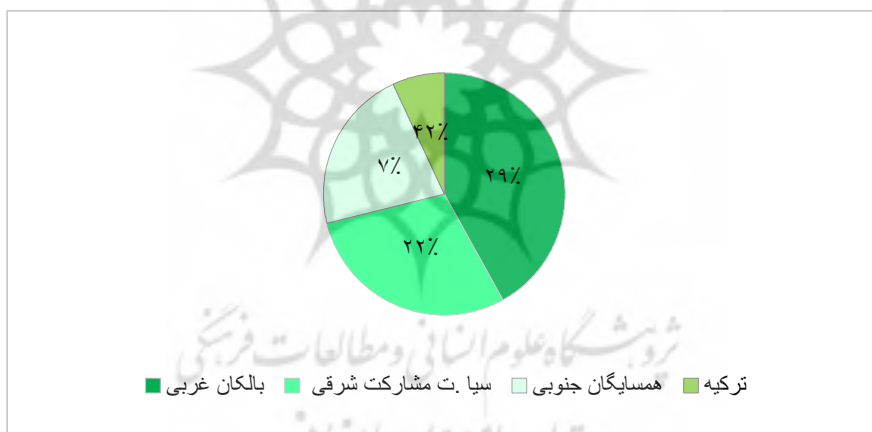
۱. کمیته امور سیاسی، حقوق بشر و دموکراسی؛
۲. کمیته همگرایی اقتصادی، نزدیکی قضایی و همگرایی با سیاست‌های اتحادیه اروپا؛
۳. کمیته انرژی؛
۴. کمیته امور اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و جامعه مدنی (Gromadzki, 2015: 8).

- **شورای اروپا:** کارویژه اصلی شورای اروپا در این حوزه، نظارت بر اجرای اصلاحات خواسته شده از این کشور است. در همین زمینه از ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۵ مولداوی عضو شورای اروپا شد. پارلمان مولداوی نیز در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۷ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی<sup>۴</sup> را تصویب کرد. دفتر اطلاعات شورای اروپا<sup>۵</sup> از سال ۱۹۹۷ در کیشناو تأسیس شد. در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۲ کمیته وزیران شورای اروپا با انتصاب نماینده اتحادیه اروپا در کیشناو موافقت کرد (CE, 2020). از سال ۲۰۱۶، شورای اروپا از جمهوری مولداوی اجرای اصلاحاتی را درخواست کرد که به معنای به‌کارگرفتن محدودیت‌های بیشتر بود. این شرط‌ها این‌ها بودند:

1. MFA: Macro-financial Assistance
2. ENPARD: European Neighborhood Program for Agricultural Rural Development
3. Euronest Parliamentary Assembly
4. European Convention on Human Rights
5. The Information Office of the Council of Europe

اعتمادسازی سیاسی، تسریع اجرای همه مفاد موافقت‌نامه همکاری و اصلاحات سیاسی و اداری. در پاسخ به این شرطها، مقام‌های مولداوی نقشه راهی تهیه کردند که شامل ۶۹ اولویت در ۱۳ حوزه بود و قرار شد تا مارس ۲۰۱۶، ۴۶ بند آن، تا ژوئیه ۲۰۱۶، ۱۹ بند و در ادامه تا پایان سال ۲۰۱۶ چهار بند باقی‌مانده اجرایی شوند (Gromadzki, 2015: 6).

- **کمیسیون اروپا:** در زمان ریاست اورسلا فون‌درلاین<sup>۱</sup> بر کمیسیون اروپا، بر اهمیت تسری سیاسی و نهادی افزوده شده است؛ چرا که او در پی کاهش سیاست‌های فن‌سالارانه در کمیسیون و کم‌کردن فاصله میان قابلیت‌ها و انتظارات اتحادیه اروپا در سیاست خارجی است. به تأخیرانداختن مذاکرات پیوسته‌سازی مقدونیه، نشانه بارز این منطق جدید است (Lippert, 2019: 1). کمیسیون اروپا عامل اصلی عضویت مولداوی در نهادهای منطقه‌ای در حوزه اقتصادی مانند حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط، انرژی، حمل‌ونقل، محیط زیست و دسترسی به سرمایه و همچنین نهادهای امنیتی مانند همکاری بین مرزی<sup>۲</sup> در دریای سیاه، همکاری در مرزهای زمینی با رومانی و اوکراین بوده است (EC, 2020).



شکل ۳. تعامل کمیسیون اروپا با محیط همسایگی در زمان یونگر

Source: Cvijic and Others, 2019: 5.

1. Ursula Gertrud von der Leyen

2. CBC: Cross Border Cooperation

یکی از طرح‌های اتحادیه اروپا در این حوزه، ابتکار تشکیل منطقه سیاسی و اقتصادی اروپا<sup>۱</sup> میان اوکراین، گرجستان، مولداوی، نروژ، ایسلند، لیختن‌اشتاین و اتحادیه اروپا است (Lippert, 2019: 3). این سازوکار، متفاوت از منطقه اقتصادی اروپا<sup>۲</sup> است؛ چرا که هدف منطقه اقتصادی، تنها همگرایی اقتصادی و نه سیاسی (ظرفیت تسری کارکردی صرف) است؛ در حالی که منطقه سیاسی و اقتصادی اروپا تنها یک پله پایین‌تر از عضویت قرار می‌گیرد.

### نتیجه

پایه سیاست همسایگی اروپا بر گسترش رژیم حکمرانی اتحادیه اروپا شامل هنجارها، استانداردها و ارزش‌ها، به فراتر از مرزهای سیاسی اتحادیه است. این سیاست، گستره وسیعی از هدف‌ها مانند حقوق بشر، دموکراتیک‌سازی و رفاه، حمایت از حکمرانی خوب را شامل می‌شود. در مقابل اجرای اصلاحات، کشورهای عضو و از جمله مولداوی از پاداش تعمیق همگرایی اقتصادی و سیاسی با اتحادیه اروپا بهره‌مند می‌شوند. سیاست همسایگی اروپا ترکیبی از سیاست داخلی، خارجی و عملی گسترش است. در این میان سیاست مشارکت شرقی مصداق مهم این سیاست تعریف می‌شود.

فرضیه اصلی این نوشتار بر این مبنا استوار است که بهبود روابط در قالب موافقت‌نامه همکاری و تجارت آزاد میان اتحادیه اروپا و مولداوی سبب تسری همگرایی از حوزه اقتصادی به حوزه سیاسی و نهادی و تعمیق روابط دو طرف از نظر گستره شده است؛ اما از نظر عمق تأثیر آن با عامل‌های متعدد داخلی و خارجی از سوی هر دو طرف محدود شده است. برای آزمون این فرضیه از منطق تسری مطرح‌شده در نظریه نوکارکردگرایی استفاده کردیم.

بر این اساس همگرایی میان اتحادیه اروپا و مولداوی را در قالب سه فاز تسری کارکردی، سیاسی و مربوط به نهادهای فراملی بررسی کردیم. در زمینه تسری کارکردی، روابط صورت‌گرفته در قالب موافقت‌نامه مشارکت و همکاری در راستای ارتقای استانداردهای حکمرانی خوب را بیان کردیم. در این زمینه در مسئله ورنیستریا نیز همکاری‌هایی صورت گرفت و در قالب مذاکرات ۲+۵ پیش رفت. سیستم مدیریت مرزی اوکراین و مولداوی به ابتکار اتحادیه اروپا نیز در همین زمینه تدوین شد. از نظر اقتصادی نیز روابط در قالب نظام ترجیحی پیش رفت.

1. EPEA: European Political and Economic Area

2. EEA: European Economic Area

در مرحله تسری سیاسی، موافقت‌نامه همکاری بررسی شد که به بهترین شکلی در قالب موافقت‌نامه تجارت آزاد همه‌جانبه و عمیق متبلور شد. این توافق دستاوردهای زیادی در حوزه همگرایی داشت و سبب آزادسازی ویزا برای مولداوی شد. در مورد منازعه و رانیستریا نیز بسته هشت اجرایی شد. دستاوردهای اقتصادی نیز در بهبود روابط تجاری، جذب سرمایه به شکل وام و کمک از اتحادیه اروپا و استانداردسازی سیستم اقتصادی مولداوی خود را نشان داد. در حوزه تسری کارکردی نیز نهادهای اتحادیه اروپا مثل پارلمان، کمیسیون و شورای اروپا به‌مثابه کارآفرینان سیاسی عمل کرده و در ابعاد مختلف ائتلاف‌سازی راهبردی، نفوذ در چانه‌زنی و چارچوب‌بندی جامعه گام‌های بلندی برداشته شد. این آزمون را می‌توانیم در شکل ۴ ببینیم.



شکل ۴. نتیجه

Source: Author.

بررسی‌ها نشان داد که از نظر سطح و گستره، روابط میان دو طرف از رشد مطلوبی برخوردار بوده و همگرایی در هر سه سطح به خوبی رخ داده است. اما از نظر عمق برخی تنگناها داخلی در سطح اروپا و سطح داخلی مولداوی از یک‌سو و در سطح منطقه از سوی

دیگر جلوی تعمیق کامل همگرایی را گرفته است. در داخل مولداوی سطح بالای فساد و چندقطبی بودن جامعه، جلوی اجرای کامل اصلاحات و در نتیجه تعمیق همگرایی را گرفته است. چرا که رویکرد اتحادیه اروپا بر مبنای اصلاحات بیشتر، پاداش بیشتر است. به طبع اصلاحات کمتر، با قطع پاداش همراه خواهد بود. در داخل اتحادیه اروپا نیز میان کشورهای عضو درباره اهمیت مولداوی توافق نظر وجود ندارد. کشورهای اروپای شرقی به جای اتحادیه به همراه آلمان، حامی بهبود روابط هستند؛ در صورتی که برای کشورهای شبه جزیره ایبریا یا فرانسه، این کشور اولویت ندارد. به طور کلی تلاش‌های اتحادیه اروپا برای ایجاد همگرایی با مولداوی، نابسندیده بوده است. پیشبرد همگرایی بسنده با مولداوی، مستلزم اراده سیاسی بیشتر، تعهد و خلاقیت در سیاست‌گذاری از سوی اروپا است و نه صرف کمک‌های فنی و راه‌حل‌های کلاسیک اقتصادی. مشکل دیگر، وجود نوعی ابهام در روابط آینده، میان اتحادیه اروپا و این کشور است که مولداوی را برای انجام اصلاحات متزلزل می‌کند.



شکل ۵. چالش‌های همگرایی اتحادیه اروپا و مولداوی

Source: Author.



## References

- Baltag, Dorina and Giselle Bosse (2016), "The EU Eastern Partnership with Moldova: a Best Case Scenario for EU Security Community Building", in: Pernille Ricker, **External Governance as Security Community Building: the Limits and Potential of European Neighbourhood Policy**, London: Palgrave, pp. 49-79.
- Bergmann, Julian (2019), "Neofunctionalism and EU External Policy Integration: the Case of Capacity Building in Support of Security and Development (CBSD)", **Journal of European Public Policy**, Vol. 26, No. 9, pp. 1253-1272 (doi:10.1080/13501763.2018.1526204).
- Bosse, Giselle (2010), "The EU's Relations with Moldova: Governance, Partnership or Ignorance?", **Europe-Asia Studies**, Vol. 62, No. 8, pp. 1291-1309.
- Brown, Jeffrey Ellison (2015), **Europeanization Postponed: the Role of Veto Players in Shaping Convergence with the EUs Conflict Resolution and Internal Market Integration Policies in Moldova and Georgia**, London: Chapel Hill.
- Calus, Kamil (2015), **Power Politics on the Outskirts of the EU: Why Transnistria Matters**, London: LSEE.
- Cazat, Lucie (2019), "The Eastern Partnership in Moldova: the 10th Anniversary", **Blog Active Euro**, Available at: <https://eulogos.blogactiv.eu/2019/07/31/the-eastern-partnership-in-moldova-the-10th-anniversary>, (Accessed on: 3/9/2019).
- CEIC (2020), "Moldova's Total Exports", Available at: <https://google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&cad=rja&>, (Accessed on: 14/3/2020).
- Chirila, Victor (2015), "A Focus on Moldova", in: **Eastern Partnership Revisited**, Warsaw: Friedrich Ebert Stiftung Institute, pp. 47-60.
- Christou, George (2012), "European Union Security Logics to the East: the European Neighbourhood Policy and the Eastern Partnership", in: George Christou and Stuart Croft, **European Security Governance**, London: Routledge, pp. 77-95.
- Council of Europe (CE)** (2020), "Republic of Moldova and the Council of Europe", Available at: <https://www.coe.int/en/web/chisinau/republiv-of-moldova-and-the-council-of-europe>, (Accessed on: 12/5/2020).
- Crombois, Jean (2019), "The Eastern Partnership: Geopolitics and Policy Ietria", **European View**, Vol. 18, No. 1, pp. 89-96.
- Cvijic, Srdjam, Iskra Kirova, Maria Jelenka and Zoran Nechev (2019), **From Enlargement to the Unification of Europe: Why the European Union Needs a Directorate General Europe for Future Members and Association Countries**, Open Society European Policy Institute: London.
- Damen, Mario (2019), "Three Eastern Partnership Neighbours: Ukrain, Moldova and Belarus", Fact Sheets on the European Union, **European Parliament**, Available at: <https://www.europarl.europa.eu/factsheets/en/sheet/171/trois-voisins-du-partenariat-oriental-ukraine-moldavie-et-bielorussie>, (Accessed on: 1/11/2019).

- De Medico, Nicola (2014), **A Black Knight in the Eastern Neighbourhood? Russia and EU Democracy Promotion in Armania and Moldova**, Bruges: Collage of Europe.
- Dehghani Firouzabadi, J. (2004), "Common European Foreign and Security Policy from the Perspective of Neo-Functionalism", **Public Law Research**, Vol. 6, No. 12, pp. 143-163 [in Persian].
- Dehghani Firouzabadi, J. (2010), "Changes in the Theories of Regionalism", **Central Eurasia Studies**, Vol. 3, No. 1, pp. 99-116 [in Persian].
- Delcour, Laure (2015), "Moldova and the EU's Neighborhood Policy: What Partnership?", **Revue d'études Comparatives Est-Ouest**, Vol. 1, No. 46, pp. 137-159 (doi:10.4074/S0338059915001060).
- De Waal, Thomas and Nikolaus Von Twickel (2020), **Beyond Frozen Conflict**, Brussels: CEPS.
- Eastern Partnership Revisited: Associated Countries in Focus** (2015), Warsaw: Friedrich Ebert Stiftung.
- Emerson, Michael (2019), **Scenarios for a Wider Europe**, Brussels: CEPS.
- European Commission (EC)** (2020), "European Neighbourhood Policy and Enlargement Negotiations", Available at: [https://ec.europa.eu/neighbourhoodenlargement/neighbourhood/countries/moldova\\_en](https://ec.europa.eu/neighbourhoodenlargement/neighbourhood/countries/moldova_en), (Accessed on: 9/1/2020).
- European Investment Bank (EIB)** (2020), "Moldova and the EIB", Available at: <https://www.eib.org/en/projects/regions/eastern-neighbours/moldova/index.htm>, (Accessed on: 9/3/2020).
- Facts and Figures (2020), "Facts and Figures about EU-Moldova Relations", **EU Neighbours East**, Available at: <https://www.euneighbours.eu/en/east/stay-informed/publications/facts-and-figures-about-eu-moldova-relations-0>, (Accessed on: 17/3/2020).
- Fontana, Lole (2015), **Implementation of the European Neighbourhood Policy in the Republic of Moldova Progress in 2014 and Recommendations for Action**, Brussels: SWD.
- Gromadzki, Grzegorz (2015), "The Eastern Partnership after Five Years: Time for Deep Rethinking", **European Parliament**, Available at: [https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document.html?reference=EXPO\\_STU\(2015\)536438](https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document.html?reference=EXPO_STU(2015)536438), (Accessed on: 23/2/2015).
- Gumene, Vadim (2019), **Transnistria: DCFTA's Implications for Foreign Trade**, Stockholm: CEPS.
- Hass, Ernest (1958), **The Uniting of Europe: Political Social and Economic Forces**, London: Slevens.
- Haas, Ernest (2001), "Does Constructivism Subsume Neo-Functionalism?", in: Knud Erik Jørgensen and Antje Wiener Thomas Christiansen, **The Social Construction of Europe**, London: SAGE Publications, pp. 22-31 (doi:10.4135/9781446221105.n2).
- Hamulak, Ondrej and Archil Chochia (2014), "The European Neighbourhood Policy Focused on South Caucasus", in: Naděžda Šišková, **From Eastern Partnership**

- to the Association: a Legal and Political Analysis**, Newcastle: Cambridge, pp. 135-146.
- Ivan, Paul (2014), **Transnistria – Where to?**, Brussels: EPC.
- Johnson, Elizabeth (2018), “The EU Ontological Security Stabilising the ENP Area and EU-Self”, **Cooperation and Conflict**, Vol. 53, No. 4, pp. 528-544.
- Josan, Stefan and Ludmila Nofit (2019), “How the Association Agreement changed EU-Moldova Relation? Where is Moldova in the AA/DCFTA Implementation Process and Why?”, **Foreign Policy Association**, Available at: <http://www.ape.md/wp-content/uploads/2019/03/EU-MD-relations.pdf>, (Accessed on: 2/2/2019).
- Koolae, Elaheh (2013), **The Politics and Government in Russia Federation**, Tehran: CIRE [in Persian].
- Koolae, Elaheh (2016), **The Politics and Government in Central Asia**, Tehran: Samt [in Persian].
- Küchler, Florian (2012), **The Role of the European Union in Moldova’s Transnistria Conflict**, Berlin: Ibidem.
- Lavrelashvili, Teona (2018), “Resilience-Building in Georgia, Moldova and Ukraine: towards a Tailored Regional Approach from the EU”, **European View**, Vol. 17, No. 2, pp. 189-196 (doi:10.1177/1781685818805680).
- Lindberg, Leon (1963), **The Political Dynamics of European Integration**, Stanford: Princeton University Press.
- Lippert, Barbara (2019), **A Geopolitically Aware EU and its Eastern European Neighbours: More Realism, More Investment**, Berlin: SWP.
- Malskyy, Markiy, Nataliya Antonyuk, Marianna Gladys and Oksana Krayevska (2020), “Regionalism and Spillover Effects: Case of Ukraine”, in: Olga Bogdanova and Andrey Makarychev, **Baltic-Black Sea Regionalisms: Patchworks and Networks at Europe’s Eastern Margins**, Switzerland: Springer, pp. 207-224.
- Montesano, Francesco, Tony Vander Togt and Wouter Zweers (2016), **The Europeanisation of Moldova is the EU on the Right Track?**, Hauge: Clingendae Report.
- Morari, Cristina (2016), **EU Role in the Republic of Moldova European Integration Within Eastern Partnership**, Iasi: Alexandru Ioan Cuza University of Iasi, Centre for European Studies.
- Moravcsik, Andrew (2005), “The European Constitutional Compromise and the Neofunctionalist Legacy”, **Journal of European Public Policy**, Vol. 12, No. 2, pp. 349-386 (doi:10.1080/13501760500044215).
- Nieman, Aron (2006), **Explaining Decisions in the European Union**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Niemann, Arne and Tessa De Wekker (2010), “Normative Power Europe? EU Relations with Moldova”, **European Integration Online Papers**, Vol. 14, No. 1, pp. 1-41 (doi:10.1695/2010014).
- Popescu, Nicu (2005), **The EU and South Caucasus: Learning Lessons from Moldova and Ukraine**, Paris: IPF.

- Popescu, Nicu (2015), **Moldova's Star: Shining or Falling?**, Brussels: EUISS.
- Scrinic, Andrei (2014), "The Eastern Partnership as Part of the Eu Foreign Policy: a Review of Theoretical Approaches", **EURINT**, Vol. 1, No. 1, pp. 219-230.
- Secieru, Stanislav (2014), **Keep the Syes Wide Open: EU in Moldova**, Brussels: CRPE.
- Senusa, Denis (2019), **EU Policy on Strengthening Resilience in Moldova, Ukrain, and Georgia between the Rule of Law and Oligarchic Influence**, Brussels: CEPS.
- UN (2020), "Moldova Exports By Country", **Trading Economics**, Available at: <https://tradingeconomics.com/moldova/exports-by-country>, (Accessed on: 15/5/2020).
- Van Seeters, Marieke (2010), **European Influence in Moldova: the Role of the European Union on Nation-Building in Moldova**, Nijmegen: Radboud University.
- Verdun, Amy and Gabriella Chira (2008), "From Neighbourhood to Membership: Moldova's Persuasion Strategy towards the EU", **Southeast European and Black Sea Studies**, Vol. 8, No. 4, pp. 431-444 (doi: 10.1080/14683850802556418).
- Warnars, Eline (2020), **The European Neighbourhood Policy: an Intergovernmental or Supranational Creation?**, Rotterdam: Erasmus University.
- Wolfswenger, Johann (2019), **10 Years Eastern Partnership: the EU and its Strategic Dilemma**, Viena: Osterreichische Gesellschaft Fur Europapolitik.